

طریق عدالت

(درس پنجاهم)

LESSON 50

THE WAY OF RIGHTEOUSNESS

داود نبی و مسیح

THE PROPHET DAVID AND THE MESSIAH

مزامیر ۱، ۲

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود تعیین کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم.

در چهار درس گذشته داستان داود نبی را بررسی می‌کردیم. دیدیم که داود يك شبان، نوازنده چنگ، مزمور نویس سراینده سرود، دانشجوی کلام خدا، قهرمان جنگها، پادشاه اسرائیل و نبی خدا بود. در درس گذاشته دیدیم که داود نیز يك گناهکار بود؛ چرا که کاری انجام داد که در نظر خدا بسیار ناپسند بود. اما، دیدیم که خدا گناهان داود را بخشید، زیرا داود با قلبی توبه‌کار از گناه خود بازگشت و به آنچه خدا در مورد نجات‌دهنده گفته بود ایمان آورد، همان نجات‌دهنده‌ای که باید به این دنیا می‌آمد تا مجازات گناهان مردم دنیا را متحمل شود.

امروز، قصد داریم بر روی کتابی بسیار زیبا که در وسط کتاب مقدس قرار دارد تفکر کنیم. آیا نام این کتاب را می‌دانید؟ این کتاب مزامیر است. خدا در يك دوره زمانی چند صد ساله انبیای گوناگونی همچون موسی، سلیمان، آصاف و بنی قورح را به کار گرفت تا مزامیر را بنویسند. اما سهم داود در نگارش مزامیر بیشتر از دیگران است. امروز قصد داریم در دو مزمور اول تفکر و تعمق کنیم.

اولین سرود در مورد دو گروه از مردم سخن می‌گوید: کسانی که در طریق عدالت راه می‌روند، و کسانی که در طریق شرارت سیر می‌کنند. در مزمور اول نوشته شده است:

خوشابحال کسی که به مشورت شریزان نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزا کنندگان

ننشیند؛ بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند. پس مثل درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهد بود، که میوه خود را موسمش می‌دهد، و برگش پژمرده نمی‌گردد و هر آنچه می‌کند نیک انجام خواهد بود. شریران چنین نیستند، بلکه مثل پر کاهند که باد آن را پراکنده می‌کند. لهذا شریران در داورى نخواهند ایستاد و نه گناهکاران در جماعت عادلان. زیرا خداوند طریق عادلان را می‌داند، ولی طریق گناهکاران هلاک خواهد شد. (مزامیر ۱: ۱-۶)

در اینجا طریق کسانی را که مبارک هستند و کسانی که روزی هلاک خواهند شد می‌بینیم. هر کسی می‌خواهد که برکت بگیرد. هیچکس نمی‌خواهد هلاک شود. خدا می‌خواهد همه برکت یابند. اما شما باید از طریق راهی که خدا مقرر کرده است نزد او روید. این راه برکت چیست؟ اولین سرود مزامیر آن را به دو شکل بیان می‌کند. اول: راه کسانی را که کلام خدا را استهزا می‌کنند در پیش نگیرید. دوم: بر کلام خدا تفکر کنید با این هدف که آن را درک کنید، به آن ایمان بیاورید و راه نجاتی را که خدا مقرر کرده است بپذیرید.

اگر به طریق عدالت خدا ایمان آورید و از آن پیروی کنید، کتاب مقدس می‌گوید شما «مثل درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهید بود که میوه خود را در موسمش می‌دهد»؛ زندگی شما در خدا برقرار می‌شود و در موسم خود میوه خواهد داد، میوه‌هایی همچون محبت، شادی و سلامتی. اما اگر طریق عدالت خدا را در پیش نگیرید مثل کاه خواهید بود که باد آن را پراکنده خواهد کرد.

اکنون بیایید به سرود دوم در مزامیر بپردازیم. در این باب خدا به داود الهام بخشید تا در مورد نجات‌دهنده‌ای بنویسد که باید به این دنیا می‌آمد. پس بیایید به دقت به پیامی که خدا توسط قلم نبی خدا داود به ما داده است گوش دهیم. کتاب مقدس می‌گوید:

چرا امته‌ها شورش نموده‌اند و طوائف دنیا در باطل تفکر می‌کنند؟ پادشاهان زمین بر می‌خیزند و سروران با هم مشورت نموده‌اند، به ضد خداوند و به ضد مسیح او؛ که بندهای ایشان را بگسلیم و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم. او که بر آسمانها نشسته است می‌خندد. خداوند بر ایشان استهزا می‌کند. آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد و به غضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت. «و من پادشاه خود را نصب کرده‌ام، بر کوه مقدس خود صهیون.» فرمان را اعلام می‌کنم: خداوند به من گفته است: «تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم. از من درخواست کن و امته‌ها را به میراث تو خواهم داد و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید. ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست؛ مثل کوزه کوزه‌گر آنها را خرد خواهی نمود.» و الان ای پادشاهان تعقل نمایید! ای داوران جهان متنبه گردید! خداوند را با ترس عبادت کنید و بالرز شادی نمایید! پسر را ببوسید مبادا غضبناک شود و از طریق هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی افروخته می‌شود. خوشبحال همه آنانی که بر او توکل دارند. (مزامیر ۲: ۱-۱۲)

آیا می‌دانید خدا در باب دوم کتاب مزامیر چه اعلانی کرده است؟ این اعلان بسیار مهم است. خدا در این سرود، سه اسم از اسامی نجات‌دهنده را نام می‌برد، نجات‌دهنده‌ای که باید به این دنیا می‌آمد تا بنی‌آدم را نجات دهد. آیا این اسامی را شنیدید؟ این اسامی عبارتند از: مسیح، پادشاه، و پسر. بیایید به این سه اسمی که خدا برای اشاره به نجات‌دهنده دنیا به کار می‌برد کمی فکر کنیم.

۱. می‌بینیم که خدا نجات‌دهنده را «مسیح» می‌نامد. مسیح يك واژه عبری و به معنای برگزیده خدا (یا مسیح شده خدا) است. خدا با این نام می‌خواهد به فرزندان آدم اعلان نماید که هر کسی باید به نجات‌دهنده ایمان بیاورد و او را بپذیرد، زیرا او تنها کسی است که خدا برگزید تا نجات‌دهنده و داور دنیا باشد. اما، خدا در سه آیه اول این سرود، پیشگویی می‌کند که بنی‌آدم مسیحی را که قرار بود به دنیا بفرستد رد می‌کنند. بیایید این آیات را دوباره بخوانیم.

«چرا امته‌ها شورش نموده‌اند و طوائف دنیا در باطل تفکر می‌کنند؟ پادشاهان زمین بر می‌خیزند و سروران با هم مشورت نموده‌اند، به ضد خداوند و به ضد مسیح او؛ که بندهای ایشان را بگسلیم و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم.» (مزامیر ۲: ۱-۳)

چرا مردم دنیا نمی‌خواهند مسیحی را که خدا فرستاد بپذیرند؟ آنها مسیح را رد می‌کنند زیرا او قدوس است، به گناه آلوده نشده است، کتاب مقدس به ما می‌گوید «زیرا هر که عمل بد می‌کند، روشنی را دشمن دارد و پیش روی روشنی نمی‌آید، مبدا اعمال او توییح شود.» (یوحنا ۳: ۲۰) پس خدا در این آیات پیشگویی می‌کند که چگونه یهودیان و امت‌های دنیا با یکدیگر دسیسه خواهند کرد تا انسان قدوسی که خدا برگزیده بود نجات‌دهنده و داور دنیا باشد از میان بردارند. اما خدا می‌دانست که این انسان‌های شریر قصد انجام چه کاری دارند. خدا نقشه‌های خبیث انسان‌ها را به کار گرفت تا نقشه پاک و عالی خود را برای نجات گناکاران به انجام برساند. به همین دلیل است که می‌خوانیم: «او که بر آسمانها نشسته است می‌خندد. خداوند بر ایشان استهزا می‌کند.» (مزمور ۲: ۴) از این رو اولین نامی که خدا در این باب به نجات‌دهنده نسبت می‌دهد مسیح است. شاید جالب باشد که بدانید نام عبری مسیح همان واژه یونانی *Christ* است. که آن هم به معنای «برگزیده خدا» است.

۲. نام دوم پادشاه است. مسیح پادشاه نیز است. خدا توسط این نام می‌خواهد همه بدانند که مسیح در پایان داود و حاکم دنیا خواهد بود، علی‌رغم اینکه اکثر مردم دنیا او را رد می‌کنند. در روز بزرگ داوری، هر کسی در مقابل او زانو خواهد شد، زیرا او تنها کسی است که خدا انتخاب کرد تا شاه شاهان، رب‌الارباب باشد. در نتیجه مسیح هم نجات‌دهنده و هم داور شما خواهد بود، زیرا چه خواهید چه نخواهید، او پادشاهی است که خدا برگزید تا تا ابدالابد سلطنت کند!

۳. سوم، همانگونه که خواندیم خدا در این باب نام دیگری نیز به مسیح نسبت می‌دهد. این نامی است

که ما باید به دقت آن را بررسی کنیم. این نام «پسر» است. پیش از اینکه شرح دهیم این واژه به چه معنایی است، شاید به خاطر داشته باشیم هر آنچه داود در مزامیر نوشت، با حکمتی که خدا به او عطا کرده بود نوشت. همچنین باید به خاطر بسپاریم که در نوشته‌های انبیا فهم برخی مطالب دشوار است، اما این موضوع نمی‌تواند حقیقت آنها را زیر سؤال ببرد! خدا در کلام خود به ما هشدار داده است: «در آنها (کتاب مقدس) بعضی چیزهاست که فهمیدن آنها مشکل است و مردمان بی‌علم و ناپایدار آنها را مثل سایر کتب تحریف می‌کنند تا به هلاکت خود برسند!» (۲ پطرس ۳: ۱۶) نادانی يك فاجعه است، مخصوصاً اگر در مورد مسیحی باشد که خدا برگزید تا فرزندان آدم را از هلاکت ابدی برهاند! ضرب‌المثلی می‌گوید: «پیش از آنکه پی‌ببری، جهل تو را خواهد کشت!» بیایید در حالیکه این مفهوم را به ذهن خود می‌سپاریم درباره نامی که خدا به مسیح نسبت داده است فکر کنیم.

حال بیایید به مزمور دوم بازگردیم. در آیه هفت می‌خوانیم که مسیح می‌گوید: «خداوند به من گفته است: «تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم.» (مزامیر ۷: ۲) آیا شنیدید که خداوند به مسیح چه گفت؟ او گفت، «تو پسر من هستی... امروز تو را تولید کردم.» آیا می‌دانید چرا خدا مسیح را پسر خود نامید؟ آیا می‌دانید این نام به چه معنا است؟ امیدواریم که شما برداشت اشتباهی از این نام نداشته باشید. مقصود این نیست که خدا همسری برای خود اختیار کرده و از او صاحب فرزندی شده است! حاشا! چنین فکری کفر است! خدا روح است و مانند انسان بچه‌دار نمی‌شود.

پس، چرا خدا به مسیح گفت، «تو پسر من هستی!»؟ خدا را شکر می‌کنیم، زیرا خدا خود علت را گفته است. آنقدر وقت نداریم که بتوانیم ساعتها درباره این موضوع صحبت کنیم، اما دوست داریم از نوشته‌های انبیا سه دلیل بیاوریم که چرا خدا مسیح را پسر خود نامیده است.

اول آنکه باید بدانید خدا به این دلیل مسیح را پسر خود نامید که مسیح از بالا آمد، یعنی از آسمان. هر کسی که به نوشته‌های انبیا ایمان دارد، می‌داند که مسیح از انسان متولد نشد، بلکه از حضور خدا آمد. همانگونه که می‌دانید، مسیح پدر زمینی نداشت. اما در مورد وجود جسمی مسیح باید بگوییم که او از نسل داود بود، زیرا مسیح از مریم باکره متولد شد و مریم از نسل داود پادشاه بود. اما در مورد پدر مسیح باید گفت که او به طرز منحصر به فردی از روح خدا مولود شد. به همین دلیل است که خدا می‌تواند درباره او بگوید، «تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم!»

دومین دلیل این است که خدا مسیح را پسر خود نامید زیرا کتاب مقدس می‌گوید خدا و مسیح يك و بیژگی مقدس دارند. همچون پدر و پسر. نجات‌دهنده موعود باید پاك و قدوس باشد، همانگونه که خدا پاك و قدوس است. ما نمی‌توانیم در مورد این موضوع توضیح بسیار دهیم اما اگر به وقایع انجیل نگاهی بیندازیم خواهیم دید که مسیح پسر آدم نبود که به گناه آلوده شود! همانگونه که دیدیم، حتی بزرگترین پیامبران هم گناه کردند. اما مسیح، هرگز گناه نکرد. او همیشه اراده خدا را انجام داد. لازم بود که مسیح بدون گناه باشد زیرا

او به دنیا آمد تا گناهکاران را از گناه نجات بخشد! مگر می‌شود کسانی که خود بدهکارند، بدهکاری دیگران را بدهند؟ نه هرگز! کتاب مقدس او را «قدوس، بی‌آزار و بی‌عیب و از گناهکاران جدا شده و از آسمانها بلندتر» می‌نامد. (عبرانیان ۷: ۲۶) بله، نجات‌دهنده قدوس بود، همانگونه که خدا او را قدوس فرستاده بود! به همین خاطر است که خدا ابا نداشت از اینکه او را پسر خود بنامد.

سوم، باید بدانیم خدا از اینجهت مسیح را پسر خود نامید تا او را از تمام انبیا متمایز سازد. دیدیم که ابراهیم «دوست خدا» نامیده شد. موسی «مرد خدا» نام داشت. خدا در مورد داود گفت، «مردی موافق دل خود یافتم!» اما خدا درباره کدام نبی گفت «تو پسر من هستی امروز تو را تولید نمودم!»؟ این نام تنها به مسیح نسبت داده شد زیرا مسیح تنها کسی بود که از آسمان آمد، از باکره متولد شد، و به گناه آلوده نبود و نشد.

شنوندگان عزیز، آیا مسیح، پادشاهی را که خدا او را پسر خود نامید می‌شناسید؟ خدا می‌خواهد همه او را بشناسند، به او گوش دهید، به او ایمان داشته باشید و او را بپذیرید. به همین خاطر است که داود این باب را با این سخنان به پایان می‌رساند:

«و الان ای پادشاهان تعقل نمایید! ای داوران جهان متنبه گردید! خداوند را با ترس عبادت کنید و با لرز شادی نمایید! پسر را بیوسید مبادا غضبناک شود و از طریق هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی افروخته می‌شود. خوشابحال همه آنانی که بر او توکل دارند.» (مزمور ۱۰: ۲-۱۲)

در اینجا برنامه ما به پایان می‌رسد. به یاری خدا در برنامه بعدی به بررسی سرود دیگری که داود نبی در کتاب مزامیر سروده است خواهیم پرداخت.....

خدا به شما برکت دهد. بر آنچه داود در کتاب مزامیر نوشته است تفکر و تعمق کنید:

«و الان ای پادشاهان تعقل نمایید! ای داوران جهان متنبه گردید! خداوند را با ترس عبادت کنید و با لرز شادی نمایید! پسر را بیوسید مبادا غضبناک شود و از طریق هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی افروخته می‌شود. خوشابحال همه آنانی که بر او توکل دارند.» (مزمور ۱۰: ۲-۱۲)